

نظر حضرت آیت الله روحانی درباره ازدواج معاطاتی: لزوم انشاء عقد لفظی

کد خبر: ۳۵۷۶۴۲

انتشار: پنجشنبه ۱۲ / ۱۲ / ۱۴۰۰ | ساعت ۱۹:۴۸

شفقتا- حضرت آیت الله العظمی روحانی بر این باورند که مانعی در تطبیق عموماً و اطلاقات صحه و تنفیذ نکاح بر نکاح معاطاتی وجود ندارد، لیکن با توجه به اجماعاتی که در مقام ادعا شده است، فتوا به لزوم انشاء عقد لفظی برای انعقاد عقد ازدواج می دهند.

به گزارش شفقتا، اخیراً یکی از نویسندگان و کارگردانان سینمایی در مضمونی اظهار داشته است که برای ازدواج و رابطه بین دختر و پسر احتیاجی به خواندن صیغه و عقد شرعی نیست و نیت قلبی و عشق و دوست داشتن کافی می باشد. در کانال های مجازی، عده ای پدیده غلط «ازدواج سفید» را با موضوع فقهی « ازدواج معاطاتی » مقایسه و نتیجه گیری کردند این با هم بودن و همباشی؛ صحیح، سالم و شرعی است!؟

این افراد برای اثبات نتیجه گیری خود، دست به دامان استفتاء و نوشته های مراجع و فقها شدند. در این میان تعدادی از کانال های مجازی برای اثبات نظرات خود از کتاب « فقه الصادق » نیز استفاده نادرست کردند!؟

برای روشن شدن موضوع و نظر آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی، مقاله ایی از جناب حجت الاسلام و المسلمین روحانی که بر اساس مجموعه ۴۱ جلدی کتاب «فقه الصادق»، حاشیه بر « منهاج الصالحین » و مجموعه ۷ جلدی « استفتانات فارسی » آیت الله العظمی روحانی، تهیه و تنظیم گردیده است. تقدیم می دارد:

الحمد لله الذی أحل النکاح و الزواج و حرم الزنا و السفاح و الصلاة و السلام علی نبینا محمد و آله الاطهار

قبل از ورود به بحث مناسب است توضیح مختصری درباره ی معنای معاطات داده شود:

معاطاة از نظر لغوی به معنای عطای متقابل است و در اصطلاح فقهی: عملی اعم از عقود و ایقاعات است که بدون ابراز لفظی و صرفاً با حرکتی که نشانگر آن عقد یا ایقاع باشد انجام پذیرد مانند همین معاملاتی که بصورت روزانه و بدون اجرای صیغه ی عقد (ایجاب و قبول) به آن اقدام می کنیم یعنی پول را تحویل می دهیم و در مقابل جنس را تحویل می گیریم بدون اینکه کلامی بین خریدار و فروشنده رد و بدل شود که از این تعبیر می شود به بیع معاطاتی و در اجاره و مشارکت و سایر معاملات هم جریان دارد.

اقوال علماء و فقهاء در مسئله معاطاة:

اقوال فقهاء از قدیم تا به امروز مجموعاً هفت نظریه است که از میان این اقوال فقط یک قول دال بر بطلان معامله ی معاطاتی است که مربوط به مرحوم شیخ طوسی ره در مبسوط و علامه ی حلی ره می باشد. بقیه ی فقهاء قائل به صحت معاطاة هستند مانند مرحوم شیخ مفید ره و محقق اردبیلی ره که علاوه بر صحت قائل به لزوم هم هستند و برخی مثل محقق ثانی ره قائل به صحت و ملکیت غیر لازمه اندو مشهور هم قائل به صحت و عدم ملکیت اند بطوریکه معاطاه را صرفاً موجب اباحه ی تصرف می دانند. از میان اقوال مذکور:

نظر سیدنا الاستاد دام ظلّه موافق با نظریه ی شیخ مفید ره یعنی قائل به صحت و ملکیت لازمه می باشند . ۱.

معاطاة در عقد نکاح:

بعد از آنکه نظریه مشهور فقهاء بر صحت معاملات معاطاتی معلوم شد حال آیا می توان این حکم را در باب نکاح و ازدواج هم جاری بدانیم؟ به این صورت که نیازی به اجراء صیغه (اعم از عربی و غیر آن) در عقد ازدواج نباشد؟

استاد در کتاب قویم و ارزشمند فقه الصادق بحث مذکور را با این عبارت مطرح می نمایند:

اما الکلام فی ان العقد: هل هو کسائر مضامین العقود یجوز انشاءه بالفعل فیصح النکاح معاطاة كما عن بعض معاصری المحقق البیزدی ره ام یعتبر أن یكون الانشاء باللفظ كما هو المشهور (؟) ۲

در مرحله ی بعد همانطور که سبک و سیاق فقهی معظم له اقتضا می کند اول به ذکر اقوال در مسئله و کلام اساطین فقه می پردازند و در ابتدا قول شیخ اعظم انصاری ره را مبنی بر ادعای اجماع علماء اسلام یعنی فریقین بر اعتبار جریان صیغه ی عقد لفظی در نکاح را ذکر می نماید:

أجمع علماء الإسلام كما صرح به غير واحد على اعتبار اصل الصيغة في عقد النكاح وأن النكاح لا يباح بالاباحة ولا المعاطاة^۳ " همه ی دانشمندان اسلامی – همانطور که بسیاری تصریح کرده اند – اتفاق نظر دارند بر شرط بودن اصل صیغه ی لفظی در عقد ازدواج و اینکه ازدواج با مباح دانستن و معاطاة حلال نمی شود.

و همچنین ادعای اجماع صاحب مستند الشیعه ره ۴ و صاحب حدائق ره را هم بر این مطلب عینا نقل می کنند. ۵

ادله ی قائلین به بطلان نکاح معاطاتی:

در فقه الصادق مجموعاً پنج دلیل بر بطلان نکاح معاطاتی ذکر شده که مصنف همه ی آنها را مورد مناقشه قرار داده و ناتمام می دانند و ما در این مقاله بطور اختصار به ذکر آنها و نقد آن توسط حضرت استاد دام ظلّه می پردازیم:

وجه اول: استدلال محقق نائینی ره است به این بیان که فعل معاطاتی که در نظر شما حاکی از نکاح است، در حقیقت مصداقی برای ضد نکاح یعنی زنا می باشد و اگر بخواهیم چیزی در تقابل با نکاح ذکر کنیم چیزی جز همین عمل مقابرتی خالی از انشاء صیغه نخواهد بود. ۶

ایشان از این استدلال دو جواب می دهند:

1. این دلیل شما فقط شامل موردی می شود که بخواهند با خصوص عمل مقابرت، نکاح را ایجاد کنند اما اگر چیز دیگری غیر از مقابرت مانند مقدمات تمکینی، مانند دست دادن، بوسیدن و... بخواهد حاکی از انشاء عقد باشد دیگر نمی توان گفت عمل شنیع زنا بر آن صادق و با نکاح در تقابل است.

2. محل بحث در جایی است که عمل مقابرت به همراه قصد ایجاد زوجیت باشد نه بدون چنین قصدی (تا بگوییم با زنا متحد است) و با چنین قصدی حتی اگر زنا هم صادق باشد باز زناهی است که نشانگر زوجیت است و واضح است که زوجیت و زنا چون از یک سنخ نیستند اصلاً نمی توانند متقابل و متضاد باشند (چنانکه نمی توانند متحد هم باشند) زیرا زوجیت امری اعتباری است در حالیکه زنا از افعال خارجی است، بنابراین مانعی ندارد که فعلی خارجی حاکی از زوجیت باشد.

وجه دوم: نص و اجماع قائم است بر اینکه نکاح، عقدی لازم است در حالیکه معاطات در نهایت به اجماع فقهاء معامله ای جایز است بنابراین نکاح معاطاتی نمی تواند مصداقی از معاملات معاطاتی باشند.

سیدنا الاستاد دام ظلّه در جواب می فرمایند: ما قبلاً در بحث معاطات ثابت کرده ایم که اصل، در معاطاة لزوم است نه جواز، مضافاً به اینکه بر فرض صحة ادعای اجماع بر جواز معاطات می توان گفت اجماع مختص به جایی است که صحة و جواز باهم جمع شوند و همچنین مانعی نیست که اصل نکاح با معاطاة ثابت شود اما لزومش با دلیل خاص دیگری ثابت شود یعنی دلیل بر اینکه " هر نکاح صحیحی لازم هم هست".

وجه سوم: اگر قائل به صحة معاطات در نکاح شویم لازمه اش اینست که عمل نامشروع زنا منحصر شود در مورد اکراه و زنا با زن شوهردار (ذات بعل) و این انحصار قطعاً مردود است.

از این استدلال هم جواب می دهند که اگر مقابرت بدون قصد زوجیت باشد اشکال وارد است اما با قصد زوجیت که در نکاح معاطاتی وجود دارد – چنانکه در بعضی شرایع و ادیان باطله مرسوم بوده – مجالی برای حکم به عدم زنا خواهد بود.

وجه چهارم: مقابرت نیاز به علت و سبب حلال کننده دارد و اگر خود مقابرت بخواهد سبب محلل باشد لازمه اش جمع بین سبب و مسبب در یک رتبه است و پر واضح است که تأثیر شئی بر خودش محال است. (توقف الشئی علی نفسه)

جواب: مقابرت اولیه در لحظه ی اول می تواند سبب و علت برای زوجیت و در پی آن سبب برای حلت مقابرت در آنات و مراتب بعدی باشد پس جمع بین سبب و مسبب لازم نمی آید.

وجه پنجم: سبب حلیت در صورتی می تواند مؤثر باشد که خودش مبعوض مولا و منهی عنه نباشد، پس حلیت، شرط برای تأثیر است حال آنکه حلیت خودش از آثار زوجت و از مقتضیات آن است در نتیجه حلیت مقاربت متوقف بر تأثیر است و تأثیر، متوقف بر حلیت است که این البته دور واضح و محال است.

جواب این اشکال در فقه الصادق در دو مرحله بیان شده است:

1. در بحث نهی در معاملات ثابت شد که نهی دلالت بر فساد نمی کند.
2. اینجا دور لازم نمی آید زیرا اگرچه زمان مقاربت و حلیت و زوجیت واحد است اما بین آنها تقدم و تأخر رتبی حاکم است. یعنی تأخر حلیت از زوجت و تأخر زوجیت از مقاربت به لحاظ رتبی موجود است و همین اختلاف رتبی برای دفع محذور دور کافی است. پس مقاربت در هنگام تحقق متصف به جواز است.

نظریه نهایی:

پس از آنکه ادله بطلان معاطاة در فقه الصادق مورد مناقشه قرار گرفت نتیجه ی بحث در کلام سیدنا الاستاد:

« فتحصل أنه لا مانع عقلا ولا شرعا من جریان المعاطاة فی النکاح ومقتضى- العمومات والاطلاقات جریانها فیه کسائر مضامین العقود و لكن قام الإجماع علی عدم جریان، وهو المستند لو ثبت و كان تعبدیة لا مستندة إلى الوجوه المتقدمة وهو الفارق بین النکاح و غیره من مضامین العقود فإنه يجوز انشائها بالفعل بخلافه. » ۷

« نتیجه چنین شد که هیچگونه مانع عقلی و یا شرعی از جریان معاطات در ازدواج نیست و مقتضای عمومات و اطلاقات ادله، جریان المعاطات در نکاح است مانند مضمون عقود دیگر (مثل بیع و اجاره و...) لیکن اجماع بر عدم جریان در نکاح قائم است و مدرک مورد استناد ما همین اجماع است در صورتیکه ثابت شود و تعبدی باشد نه بر پایه ادله گذشته و اینست فرق بین نکاح و غیر نکاح از سایر عقود (پس در سایر عقود) ایجادشان با فعل و عمل جایز است بر خلاف نکاح (که فقط با عقد لفظی واقع می شود) ». ۸

آنچه از عبارات فوق استفاده می شود اینست که سیدنا الاستاد ادله ی قائلین به بطلان نکاح معاطاتی را نمی پذیرند و در آن مناقشه می کنند و بر این باورند که مانعی در تطبیق عمومات و اطلاقات صحه و تنفیذ نکاح بر نکاح معاطاتی وجود ندارد. لیکن با توجه به اجماعاتی که در مقام ادعا شده است چنانکه مرحوم شیخ اعظم انصاری ره عدم جریان المعاطات را به تمام علماء اسلام اعم از شیعه و غیر شیعه نسبت می دهد ایشان مستند به چنین اجماعاتی فتوا به لزوم انشاء عقد لفظی برای انعقاد عقد ازدواج می دهند و این مطلب از صریح فتوای ایشان در کتاب منهاج الصالحین استفاده می شود: مسأله ۲۸۵۹: یحتاج الزواج الدائم و المنقطع إلى العقد الشرعی وهو الإيجاب و القبول» ۸

و همچنین در مجموعه ی استفتائات وقتی سوال می شود که آیا باید صیغه ی عقد عربی باشد یا اینکه رضایت دو طرف کفایت می کند؟ در جواب مرقوم می فرمایند: رضایت طرفین کافی نیست ۹ و در مسئله ی بعد از آن می فرمایند: «خواندن به غیر عربی کافی نیست. ۱۰»

تذکر: ممکن است کسی از عبارت آخر سیدنا الاستاد دام ظلّه قول به جواز را برداشت کند چنانکه برخی چنین استظهار کرده اند و اجماعات مذکور را مدرکی یا محتمل المدرکیه و صرفا موجب احتیاط بدانند درحالیکه ایشان فتوای صریح در اشتراط صیغه لفظی دارند لکن باید بگوئیم این اجماعات قابل تردید و خدشه نیستند. زیرا مسئله ازدواج از اهم مسائل زندگی و در تمام اعصار شدیداً مورد ابتلا بوده و با توجه به حساسیت مسئله انساب و ترتب اجرای حدود و میراث بر آن، اگر فقیهی بر خلاف این اجماعات قائل به عدم اعتبار صیغه ی لفظی بود قطعاً مشهور و معروف می شد. (لوکان لاشتهر و بان) بنابراین این اجماع در نظر معظم له ثابت و غیر قابل خدشه است و لذا برطبق آن فتوا داده اند.

الحمد لله اولاً و آخراً

۲۰ رجب ۱۴۴۳ قم المقدسه

سید کاظم روحانی

١. منهاج الفقاهة ج ٣ ص ٥٧.
٢. فقه الصادق ج ٢١ ص ١٤.
٣. كتاب النكاح ص ٧٧.
٤. مستند الشيعة ج ١ ص ٨٤.
٥. الحدائق الناضرة ج ٢٣ ص ١٥٦.
٦. منية الطالب ج ١ ص ١٨٩.
٧. فقه الصادق ج ٢١ ص ١٦.
٨. منهاج الصالحين ج ٢ ص ٤٨٧.
٩. مجموعه استفتائات ج ٦ ص ٢٠٢ مسئله ٧٩٧.
١٠. مجموعه استفتائات ج ٦ ص ٢٠٢ مسئله ٧٩٨.